

نقش جمهوری آذربایجان در انتقال افکار کمونیستی به ایران

۵ آبان ۱۳۹۷ ساعت ۱۷:۳۲

بعد از انقلاب اکتبر و روی کار آمدن بلشویک‌ها، ترویج اندیشه‌های مارکسیستی با نقش محوری آذربایجان در قالب تأسیس حزب نمایانگر شد. در این رابطه از اولین کسانی که اقدام به انتقال اندیشه‌های مارکسیستی و تأسیس حزب مرتبط با آن نمود، می‌توان به حیدر عمواغلی اشاره کرد.

کافه تاریخ - مقالات

با وقوع انقلاب بلشویکی و روی کار آمدن بلشویک‌ها در روسیه تزاری در سال ۱۹۱۷، تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی شوروی و کشورهای پیرامون آن با تغییراتی مواجه شد و فارغ از تحولات خاص خود در شوروی، بر تحولات سیاسی کشورهای همسایه همچون ایران نیز تأثیر گذاشت. بر این اساس بسیاری از ایده‌های کمونیستی از طریق جمهوری آذربایجان که متعلق به جماهیر شوروی بود، به ایران نیز انتقال یافت. در این زمینه نقش جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از کشورهای همسایه در انتقال اندیشه‌های کمونیستی به ایران بسیار مهم و اساسی بود که در ادامه به نقش جمهوری آذربایجان در انتقال ایده‌های کمونیستی و اولین افراد و گروه‌های واردکننده این اندیشه پرداخته می‌شود.

اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری‌های آن

بعد از انقلاب بلشویکی، با تشکیل کنفرانسی متشکل از جمهوری‌های آسیای مرکزی بسیاری از آنان به شوروی پیوستند و اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل دادند. البته برخی از جمهوری‌ها از جمله ترکمنستان و ازبکستان بعد از انحلال جمهوری‌های خلق بخارا و خوارزم تشکیل شدند. ۱ بر این اساس بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی شامل جمهوری تاجیکستان، قزاقستان و... که روابط دیرینه‌ای با شوروی داشتند، به شوروی ملحق شدند. این موضوع نقطه عطف مهمی در انتقال اندیشه‌های مارکسیستی به ایران نیز بود؛ چرا که باعث شد انتقال اندیشه‌های کمونیستی از روند شتابان و رو به رشدی انجام شود. این موضوع به دلیل هم‌مرز شدن ایران با برخی از جمهوری‌های اتحاد شوروی از جمله آذربایجان امکانپذیر شد. جمهوری آذربایجان، در سال ۱۳۱۸ تأسیس شد و دو سال بعد به شوروی پیوست. این کشور، پیش از آن بخشی از قلمرو ایران بود و اشتراکات فراوانی با برخی از مناطق ایران از جمله تبریز داشت. از این رو، آذربایجان به یکی از مناطق مهم در انتقال اندیشه‌های کمونیستی به ایران شد. این موضوع علاوه بر آنکه از طریق مطبوعات و ترجمه کتب مربوطه صورت گرفت، در اصل به دلیل برخورد و آشنایی ایرانیان با مردم

آذربایجان و قفقاز اتفاق افتاد.

ارتباط با آذربایجان و انتقال اندیشه‌های کمونیستی

با گسترش ارتباطات بازرگانی در دوره قاجار، روابط با کشورها و جمهوری‌های هم‌مرز با ایران نیز وسعت یافت. در این بین ارتباطات دو سویه میان ایران و آذربایجان نیز از اهمیت خاصی برخوردار بود. به خصوص آنکه آذربایجان تا مدت‌ها بخشی از ایران محسوب می‌شد و اشتراکات فرهنگی و تاریخی فراوانی با ایران نیز داشت. از این رو اولین نقطه اندیشه‌های مارکسیستی، از آذربایجان و قفقاز صورت گرفت. البته پیش از آن به خصوص در دوره مشروطه، ایرانیان از طریق مقالات و کتاب‌هایی که در این زمینه ترجمه و چاپ شده بود، تا حدودی با این مفاهیم آشنا شده بودند؛ اما این آشنایی چندان وسیع و کامل نبود و از سویی جذابیت خاصی برای آنان نداشت.

علاوه بر کتب و مقالات، ارتباط با ایرانیان خارج از کشور به خصوص آذربایجان و قفقاز، عمده‌ترین روش ارتباطی با عقاید مارکسیستی بود. در واقع مهاجرت ایرانیان به قفقاز و آذربایجان، باعث تماس آنان با سوسیال دموکرات‌ها شد که در ارتباط نزدیک با شوروی بودند. با این حال «جامعه کارگری ایرانیان مهاجر در موقعیتی نبود که حزب یا سازمانی تشکیل دهد و در پیدایی جنبش سوسیالیستی و کمونیستی در ایران نقش داشته باشد»^۲ با این حال افزایش نیروی کار در ایران و سرزیر شدن آنان به قفقاز و آذربایجان، نقش مهمی در آشنایی کارگران با مسائل مربوط به حقوق کارگران، اعتصاب، سوسیالیسم و... داشت. در این رابطه برای اولین بار گروهی از ایرانیان طرفدار اندیشه‌های کمونیستی در باکو گروه سوسیال دموکرات مسلمان را تشکیل دادند و به فعالیت‌های کمونیستی پرداختند. البته این گروه پیش از آن در ایران نیز فعالیت داشتند؛ اما فعالیت آنان متوقف شده بود. هرچند برخی در تحلیل اقدامات و ماهیت این گروه، آن را غیرمارکسیستی خوانده‌اند. صمدآف مورخ شوروی در تحلیل مطالب نشریه آنها، همت نتیجه گرفت که مقاله‌ها از دیدگاه غیرمارکسیستی نوشته می‌شدند، در عوض آشکارا جنبه ملی‌گرایی داشتند. این گفته را چنین تفسیر نکنیم که همتی‌ها از مارکسیسم تأثیر نپذیرفته بودند، آنها شعار مبارزه طبقاتی سر می‌دادند، بر ضد طیف‌های محافظه‌کار به ستیز قلمی می‌پرداختند و می‌کوشیدند به دام تعصب قومی فرو نیفتند. اما مارکسیسم آنها از نوع روسی سخت‌آیین نبود. آنان به صورت مستقیم به باورهای مذهبی حمله نبردند»^۳

فعالیت طرفداران مارکسیست در ایران بعد از انقلاب اکتبر با روند متفاوتی روبرو شد. بعد از انقلاب اکتبر و روی کار آمدن بلشویک‌ها، ترویج اندیشه‌های مارکسیستی با نقش محوری آذربایجان در قالب تأسیس حزب نمایانگر شد. در این رابطه از اولین کسانی که اقدام به انتقال اندیشه‌های مارکسیستی و تأسیس حزب مرتبط با آن نمود، می‌توان به حیدر عمواوغلی اشاره کرد. حیدر عمواوغلی، مدتی پس از شرکت و ایراد سخنرانی در کنگره خلق‌های خاور که در ذیحجه ۱۳۳۸/ سپتامبر ۱۹۲۰ در باکو برگزار شد و انتخاب شدن به صدارت کمیته مرکزی دوم حزب کمونیست ایران، به منظور ایجاد آشتی بین دسته‌های رقیب در جنبش جنگل و تشکیل دوباره جبهه متحد ضداستعماری و استبدادی در اوایل مرداد ۱۳۹۰ به گیلان آمد.^۴

وی از جمله کسانی بود که با همکاری افرادی چون سلیمان میرزا، گروهی به نام حزب دموکرات ایران را تأسیس نمود و به ترویج اندیشه‌های کمونیستی پرداخت. بعد از آن بتدریج گروه‌ها و احزاب سیاسی مختلف با عناوین متفاوت و متأثر از اندیشه‌های چپ تأسیس شدند. چنانچه در ۱۳۲۳، فرقه اجتماعیون عامیون تشکیل شد. «زمینه پیدایی سازمان‌های ایرانیان در قفقاز از جمله حزب سوسیال دموکرات ایران به رهبری نریمان نریمانوف، معلم گرجی، در باکو و به گفته‌ای در تفلیس متأثر از سازمان همت بود. این حزب، اجتماعیون - عامیون و مجاهدین نیز نامیده می‌شد»^۵ که بعدها شعبه‌هایی از آن در ایران نیز تأسیس شد که

اکثر آنها در شهرهایی چون تبریز و رشت قرار داشت.

در ۱۳۳۴ یا ۱۳۳۵ ایرانیان مقیم قفقاز، حزب عدالت را که هسته اولیه حزب کمونیست ایران بود، در ناحیه صابونچی باکو تشکیل دادند به گفته پیشه‌وری، مؤسسان این حزب کارگری، ایرانیان روشنفکری بودند که در مدرسه تمدن ایرانیان فعالیت می‌کردند. آنان متأثر از حزب سوسیال دموکرات روسیه، در پی انتقال جنبش به داخل ایران بودند. ۶ با این حال جنبش کمونیستی ایران بتدریج توانست به فعالیت در داخل ایران بپردازد و با تأسیس حزب و مرامنامه در گروه مارکسیستی ۵۳ نفر تبلور یابد. البته محدودیت و شرایط سیاسی سخت علیه فعالیت کمونیست‌ها به خصوص در دوره رضاشاه باعث شد تا محوریت اصلی فعالیت طرفداران این اندیشه با مشکلاتی مواجه شود؛ اما بعد از سقوط رضاشاه از ایران، حزب توده فعالیت‌های خود را با آزادی بیشتری از سر گرفت و گرچه با شوروی و برخی از اتحادیه‌های آن در ارتباط بود؛ اما مستقل‌تر از گذشته عمل می‌نمود.

فهرست منابع

۱. الهه کولایی، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، هران، انتشارات سمت، ۱۳۷۶، ص ۲۹
۲. علی رجبلو، دانشنامه جهان اسلام، موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، جز ۱، ص ۵۳۸۹
۳. امیر طیرانی، ورود مارکسیسم به ایران، دائرة المعارف بزرگ اسلامی و ر، ک: سهراب یزدانی، اجتماعيون - عاميون، تهران، نشر نی، ۱۳۹۱ صص ۸۴-۸۵
۴. رحیم رئیس‌نیا، حیدر عموآوغلی، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۴، ۱۳۹۳
۵. رجبلو، همان، ص ۵۳۸۹
۶. رجبلو، همان، ص ۵۳۸۹

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۷۲۴۷/نقش-آذربایجان-جمهوری-نقش>